



قابلیت مضمون و فرم در غزل‌های حسین منزوی در تطبیق با مضامین مشابه در نگاره‌های خمسه نظامی

رضا هادی لو^۱، تورج عقدایی^۲، حیدر حسنلو^۳، مه‌ری تلخایی^۴

۱ دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. hadiloo.reza@hidajiau.ac.ir

۲ (نویسنده مسئول) دکتری تخصصی، دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. Dr.aghdaie@gmail.com

۳ دکتری تخصصی، استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. heydar.hasanlo95@gmail.com

۴ دکتری تخصصی، استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. Dr.talkhabimehri@gmail.com

چکیده

در شعر معاصر یأس و امید از مضامین پرکاربردی است که شاعران در پی رخدادهای سیاسی و اجتماعی در اشعار خود به کار برده‌اند. حسین منزوی از شاعران معاصر است که با اندیشه سیاسی و اجتماعی و تحول در سرودن غزل نو که یکی از ارکان ابداع غزل نو به حساب می‌آید پا به عرصه ظهور نهاد. در سروده‌های وی اشعاری وجود دارد که بیانگر افکار سیاسی و اجتماعی او می‌باشد. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به‌رشته تحریر درآمده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که مضمون اشعار سیاسی و اجتماعی وی بیشتر یأس و حسرت و خفقان و گلایه از روزگار و مرگ است. در بسیاری از اشعار منزوی واژه یأس و امید ملاحظه می‌شود و در برخی از سروده‌های وی امیدواری به زندگی بسیار رنگین است و می‌توان گفت وی امیدوارترین شاعر معاصر است. در حالی که این‌گونه نیست و بسیاری از امیدهای اشعار او حکایت از ناامیدی دارد که از شکست سیاسی، اجتماعی، عشقی و عمومی نشأت می‌گیرد. رفتار انسان‌ها در محیط کار تابع عوامل بسیار گسترده‌ای است که ریشه در ویژگی‌های انسان و نوع تعامل در محیط دارد. به‌خصوص صاحب‌نظران در مکتب جبرگرایان روی این موضوع تأکید داشته و تأثیرگذار بودن و تعیین‌کننده بودن عوامل طبیعی اعتقاد داشته و این رویکرد رابطه محیط و رفتار را رابطه علی می‌دانند. خمسه نظامی نیز یکی از آثار فاخر ادب فارسی است که مصور شده و دارای نگاره‌هایی است. بررسی نگاره‌های موجود در این اثر نیز حاکی از امتداد امیدها و رنج‌ها در این آثار هنر است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی تأثیر شکست سیاسی، اجتماعی، عشقی و عمومی بر اشعار حسین منزوی.

۲. بررسی تطبیقی مضمون در اشعار حسین منزوی و نگاره‌های خمسه نظامی.

سؤالات پژوهش:

۱. تأثیر شکست سیاسی، اجتماعی، عشقی و عمومی بر اشعار حسین منزوی چگونه می‌باشد؟

۲. مضامین اشعار حسین منزوی و نگاره‌های خمسه نظامی چه شباهتی با یکدیگر دارند؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۶

دوره ۱۹

صفحه ۴۵۵ الی ۴۶۹

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۰۸

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱

کلیمات کلیدی

شعر معاصر،

حسین منزوی،

مضمون‌شناسی،

نگارگری،

خمسه نظامی.

ارجاع به این مقاله

هادی لو، رضا، عقدایی، تورج، حسنلو،

حیدر، تلخایی، مه‌ری. (۱۴۰۱). قابلیت

مضمون و فرم در غزل‌های حسین منزوی

در تطبیق با مضامین مشابه در نگاره‌های

خمسه نظامی. مطالعات هنر اسلامی،

۱۹(۴۶)، ۴۵۵-۴۶۹.



dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.46.28.4



dx.doi.org/10.22034/IAS.2022.339857.1948

مقدمه

امید و یأس یکی از عمده‌ترین محورهای مدلول‌ها را در نمادهای اسطوره‌ای، هنری و متن‌های عرفانی به خود اختصاص داده است؛ چراکه این دو صفت متمایز عمیقاً با عواطف عالی بشر هم‌سرشت است و هرگاه به اوج خود نزدیک می‌شود، انسان‌ها را به شدت برمی‌انگیزاند. یکی از برجسته‌ترین تجلی‌گاه‌های ظهور این ویژگی، عالم اسطوره، هنر، ادب و به‌خصوص ادب عرفانی و عاشقانه است که در آن از مدح امید و ذم یأس برای بیان هنرمندانه بهره فراوان برده می‌شود. اصولاً آدمی در اوج نشاط و شادی و امید یا در نهایت غم و اندوه و درد یأس است که می‌تواند احساس ناب خود را عمیق‌تر و جدی‌تر منعکس سازد و هنری اصیل بیافریند. این تناظرها از آغاز پیدایش بشر تا تحول مدنیت و تمام مسیر تکامل اجتماعی تا امروز به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد یکی از ویژگی‌های هنر و ادبیات ناب، میزان گره‌خوردن متن با سکوت انعکاس طبیعی امیدها و یأس‌هاست. این ویژگی در شعر عمومیت دارد؛ چراکه امید و یأس در مرکز ثقل عواطف بشری قرارداد و تکوین شعر نیز در پیوند این عواطف با خیال شاعر رخ می‌دهد، بنابراین مرکز ثقل شعر را نیز امید و یأس تشکیل خواهد داد. این ویژگی طبیعتاً در شعر شعرای معاصر نیز به طور مناسب بروز و ظهور یافته است.

در میان شعرای معاصر، حسین منزوی نیز در پرداختن به این امر (یأس و امید) توجه عمیقی داشته است. آدمی با نخستین گریه‌های کودکانه پا به عرصه هستی می‌گذارد که آمیزه‌ای از غم و شادی است. گویی تقدیر آدمی این‌گونه رقم خورده است که در انبوه یأس و امید، زندگی را تلخ یا شیرین تجربه کند. به‌طوری‌که شاعران در برخورد با نارسایی‌ها و مشکلات فردی و اجتماعی و برعکس در برخورد با موفقیت‌های شخصی و پیروزی‌های اجتماعی دچار یأس و امید می‌شوند؛ حتی شاعران عارف نیز در سیروسسلوک و در اندیشه هجران وصال معشوق و به هنگام برخورداری از جلال و جمال الهی، دچار قبض و بسط و یأس و امید می‌شوند؛ بنابراین می‌توان گفت که زندگی هر انسانی در هر جامعه‌ای با یأس و امید همراه بوده است؛ گویی این هر دو هم‌زاد آدمی‌اند؛ چراکه با زندگی آدمی عجین شده‌اند و براین‌اساس، در اشعار همه شاعران حالاتی از یأس و امید به هنگام مواجهه با غم و اندوه، شادی و سعادت‌مندی دیده می‌شود.

بررسی آثار ادبی در تمام ادوار اسلامی نیز حاکی از حضور این مضمون است. خمسه نظامی یکی از آثار فاخر ادب فارسی است که مصور شده و دارای نگاره‌های متعددی است. بررسی این نگاره‌ها می‌تواند نمونه‌ای بصری از حضور امید و رنج در ادبیات و هنر دوره اسلامی باشد. حسین منزوی در وادی بازی‌های زبانی و نوآوری‌های کاذب نامتناسب باروح غزل، گرفتار نمی‌شود. وی هم از غزل‌سرایان بزرگ قدیم و هم از جریان‌های شعر نو و اندیشه‌های تازه تأثیر می‌گیرد و در تلفیق سنت و نوآوری حد تعادل را رعایت می‌کند.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. باین‌حال پژوهش‌های متعددی به بررسی مضامین موجود در غزل‌های حسین منزوی پرداخته‌اند. قربانی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با

عنوان «مضامین غزل‌های حسین منزوی» به بررسی مسائل و دغدغه‌های متعدد موجود در غزلیات منزوی پرداخته‌است. با این حال، در اثر فوق، نگاره‌های موجود در خمسه نظامی و شباهت آن‌ها به مضامین اشعار منزوی انجام نشده است لذا در پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده این موضوع بررسی شده است.

۱. مختصات نگاره‌های خمسه نظامی

در یک مقطع طولانی از دوره اسلامی در هنر ایرانی، گرایش زیادی به مصورسازی نسخ برجسته ادبی وجود داشت. در این میان، خمسه نظامی از آثار مورد توجه حاکمان و هنرمندان بوده است. نسخه مصور خمسه نظامی از آثار ادبی است که در دوره تیموریان، آل جلایر و صفویه توسط هنرمندان مصور شده است. در این ادوار تاریخی به علت ایجاد تمرکز سیاسی، ثبات اقتصادی و حمایت پادشاهان، فرهنگ و هنر به شکوفایی چشمگیری رسید. قدیمی‌ترین نسخه مصور خمسه نظامی مربوط به سال ۷۱۸ ه.ق است که در دانشگاه تهران نگهداری می‌شود.

این نسخه در ۱۹۷ برگ کتابت شده است. این نسخه شامل منظومه اسکندرنامه، هفت پیکر و لیلی و مجنون است. نگاره‌های این نسخه نشان از حضور فرهنگ مغولی و تأثیرات چینی دارد (ضرغام، داستان، ۱۳۹۵: ۵۵). نسخه خمسه نظامی شاه طهماسبی که در دوره صفویه خلق شده است، دارای ۱۷ نگاره است. ۱۴ نگاره آن توسط نگارگران سرشناس دوره شاه طهماسب و سه نگاره آن توسط محمدزمان در اواخر عهد صفوی تصویر شده‌اند. این نسخه پس از استنساخ و تولید در دوره‌های بعد بازسازی و مرمت شده است. در این نسخه مصور بخشی از نگاره‌ها نیز مختص به منظومه لیلی و مجنون است (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۴). خمسه مصور دیگری مربوط به سال ۹۰۴ ه.ق متعلق به موزه هنرهای اسلامی کوالالامپور موجود است. این کتاب جمعاً ۶۸ مجلس و ۵ نگاره دیباچه‌ای بدون رقم و امضا دارد. کاتب آن مشخص نیست. ترکیب‌بندی پرتحرک با رنگ‌های غنی و تخت، از ویژگی‌های بارز نگاره‌های این نسخه است. با وجود تفاوت‌های موجود در اندام و تناسب پیکرها، نگاره‌ها از هماهنگی نسبی برخوردارند (روحانی، سخاوت، ۱۳۹۵: ۶۳).

۲. درآمدی بر ادبیات معاصر و مضامین آن

ادبیات هیچ ملتی از تاریخ سیاسی و اجتماعی آن جدا نیست. انقلاب مشروطیت ایران، نویدبخش آغاز عصر جدیدی در تاریخ حیات سیاسی و اجتماعی ملت ایران بود. قشرهای مختلف اجتماع به‌ویژه طبقه زحمت‌کش و رنج‌دیده برای احقاق حقوق خود به پا خواستند. در این نهضت عظیم، شاعران و نویسندگان نیز دست به فعالیت زدند. قلم آتشین و بیان دلنشین آنان هماهنگ با صدای تیر و شمشیر مبارزان آزادی‌خواه صفحات زرین در تاریخ گشود و بر درون‌مایه شعر و نثر تأثیر گذاشت. مضامین عمده آثار این دوره مسائلی چون: آزادی، وطن، توجه به مردم، قانون، اعتراض به بی‌عدالتی و شکوه و شکایت از استعمار بود. زبان شعر، رمزگونه شد و ادبیات اجتماعی که چندان خوشایند رژیم حاکم نبود، رواج پیدا کرد. وقایع سال ۱۳۳۲ نیز همانند انقلاب مشروطه بر ادبیات بسیار تأثیرگذار بود. تم اصلی شعر شاعران بعد از کودتای ۲۸ مرداد دستخوش تغییر و تحول فراوانی شد. «مسائل اصلی و درون‌مایه‌های تازه‌ای که در قلمرو شعر

این دوره (از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۹) عرضه گردید، عبارت بودند از: مسئله مرگ، یأس و ناامیدی عجیبی که در شعر این دوره دیده می‌شد. غالباً شعرا به مرگ می‌اندیشیدند و ستایش مرگ و ناامیدی عجیب و غریبی است که برای روشنفکران بعد از شکست ۲۸ مرداد به وجود آمد و این یکی از درون‌مایه‌ها و تم‌های حاکم بر شعر این دوره شد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۶۳).

علاوه بر این نفوذ و گسترش اندیشه‌های غیرمذهبی در شعر تحت‌تأثیر اندیشه‌های غربی، شکست دولت مصدق تخم یأس و ناامیدی را در دل روشنفکران جامعه کاشت. «رشد اندیشه‌های سوسیالیستی که به علت درهم شکستن یک نظام استبدادی بود، نوعی رئالیسم اجتماعی، حمله به امپریالیسم، ستایش صلح و دشمنی با جنگ را مضمون رایج دوره کرد» (همان: ۵۶). کودتای ۲۸ مرداد، سرآغاز جریانی تازه در شعر فارسی است که شاعران متجدد نتوانستند خارج از سایه تأثیرات منفی آن زندگی و شاعری کنند. هر دو گروه، هم شاعرانی که ذاتاً سیاسی بودند و به شعر سیاست معروفیت دارند و هم شعرائی که اصولاً سیاسی نبوده‌اند، بازتاب‌های ناخوشایند استبداد و استبدادزدگی ناشی از کودتا را در شعر خویش نشان دادند (براهنی، ۱۳۶۶: ۱۷)؛ بنابراین می‌توان گفت: مسائل سیاسی و اجتماعی باعث منزوی شدن شعرا شد؛ به طوری که یأسی که در لابه‌لای سروده‌ها دیده می‌شود ناشی از زخم‌هایی است که بر پیکره حساس شعرا وارد شده است. استبداد، استعمار و خفقان حاکم باعث گردید تا نهال امید در دل شاعران این دوره ضعیف گردد و مرگ‌اندیشی و ناامیدی بارور گردد.

۳. عوامل مؤثر تاریخی بر شعر معاصر

پیامدهای جنگ جهانی دوم و رخدادهای سیاسی که دامن‌گیر ایران شد، ذهن و فکر جوانان را به سرعت با مکتب‌های غربی آشنا کرد. ورود سپاهیان شوروی، افکار کمونیستی را ترویج داد. پس از سقوط دولت دکتر مصدق روشنفکران را در هاله‌ای از یأس و ناامیدی فروبرد. در دهه سوم (۱۳۳۰-۱۳۲۱) که مقارن با سقوط رضاخان و آغاز حکومت محمدرضا پهلوی است، فرصت و زمینه‌هایی برای تحرک سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پدید آورد و منجر به ظهور آرا و افکار متفاوت و متنوع در جامعه گردید. این احوال در شکل‌گیری جریان‌های ادبی و ظهور شاعران نوآور بی‌تأثیر نبود (باقری‌نژاد: ۱۳۸۷: ۸۵). سال‌های پس از ۱۳۲۰ با سقوط رضاشاه، دریچه امید بر روی روشنفکران ایران گشوده شد تا بلکه آنان بتوانند آزادی را که در عصر مشروطه با جان‌فشانی بسیار در آستانه دستیابی به آن بودند دوباره به دست آورند. این سال‌ها که به دلیل نبود یک حکومت مرکزی مقتدر، احزاب و نویسندگان مجال بیان عقاید خود را یافته بودند، سال‌هایی بود که می‌شد بدون ترس، شروع به فعالیت کرد. در این دوره، نهضت‌های جدیدی شکل گرفت که داعیه‌دار آزادی بودند، نهضت مصدق و کاشانی بزرگ‌ترین این تلاش‌ها بود که به نظر می‌رسید به ثمر نشسته باشد؛ اما با شکست یک‌باره این نهضت بر اثر کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که بیگانگان عامل اصلی آن بودند، بار دیگر آب سردی بر آتش امید ایرانیان ریخته شده و ایرانیان سرخورده به درون خزیدند (اسماعیلی، ۱۳۸۸: ۹۲).

باتوجه به موارد یادشده، اکنون این سؤال مطرح است که چرا یأس و امید با بسامد بالا در اشعار شاعران معاصر از جمله حسین منزوی، دیده می‌شود. به نظر می‌رسد رخدادهای سیاسی و اجتماعی در گذر زمان بر ادبیات ما تأثیر گذاشت. نفوذ و رشد اندیشه‌های سوسیالیستی و غیرمذهبی در شعر تحت‌تأثیر اندیشه‌های غربی در بین قشر روشنفکر رایج شد. آنان معتقد بودند که اگر کمونیست‌ها بر جهان حاکم شوند، تمام مشکلات اقتصادی و روحی بشر حل می‌شود اما وقایع یادشده تمام معادلات ذهنی آنان را برهم زد. این موضوع زمینه را برای نوعی سرخوردگی در بین شاعران و نویسندگان مهیا کرد و ستیز بین یأس و امید درون‌مایه اصلی شعر این دوره گردید.

۴. مضامین و فرم در غزلیات حسین منزوی و تطبیق با این موضوع در نگاره‌های خمسه نظامی

پیدایش مکتب رمانتیسم در اروپا و گرایش بعضی از نویسندگان به این مکتب موجب گردید که شعرای معاصر در کنار عقل و طبیعت، خواسته دل و احساس را جزو ضروریات مطرح نمایند. شکی نیست که در روح آدمی، احساس بیش از اندیشه نفوذ دارد و آرزو بیش از حقیقت مؤثر است. «بهره‌گیری از تخیل پرشور و سودازده و حسی - عاطفی که در بطن آن نحوی نوستالژی و حسرت زدگی نسبت به گذشته‌ها نهفته است» (زرشناس، ۱۳۸۶: ۱۳۱). فضای اشعار رمانتیک غالباً اندوه آمیز، یأس‌آلود و سرشار از حسرت و حرمان است پاییز با رنگ‌های متنوع و اندوه برگ‌های مرده خود، دلتنگی غروب و غم‌انگیزی آن، تاریکی شب و سکوتش از نمادهای بیان‌کننده حالات روحی رمانتیک‌ها هستند.

روز رنگ سبزه افسرده دارد	بوی پرچین‌های باران خورده دارد
گونه پژمرده را یادآور گل	ساقه، تمثیل رگ خون‌مرده دارد...
باغ آینه غبارش بر سر و رو	ساقه در ساقه گل پژمرده دارد

(منزوی، ۱۳۸۹: ۴۸۳)

نگاه منزوی، نگاهی پر از ناامیدی است و آدمی را در حصار از جبر، محصور می‌داند که هیچگاه اراده‌ای از خود ندارد و مجبور است که به همراه کاروان دنیا عبور کند:

اگر بخواهی، اگر نه کشیده می‌بردت	به و عدمگاه که با کاروان شکیبی نیست
من و تو را هم از این قصه‌ای که می‌خوانیم	به جز شکستگی و خستگی، نصیبی نیست

(همان: ۲۲۸)

از نظر وی بهشت وعده‌ای دروغین است که آدمی تنها به آن دل خوش است و اگر به آن دقیق فکر کند فریبی بیش نیست:

به وعده، دل چه کنی خوش که چون بیندیشی بهشت نیز، سرانجام، جز فریبی نیست

(همان: ۴۹)

در ابیات زیر از منزوی موجی از یأس و ناامیدی را می‌بینیم:

خانه‌های دم‌کرده، کوچه‌های بغض‌آلود
 طرح شهر خاکستر در زمینه‌ای از دود
 چرک آب و سرد آتش، خفته باد و نازا خاک
 آفتاب بی‌چهره، آسمان غباراندود

(منزوی، ۱۳۸۹: ۶۹)

پله‌ها در پیش رویم، یک‌به‌یک دیوار شد
 زیر هر سقفی که رفتم، بر سرم آوار شد...
 اژدهای خفته‌ای بود آن زمین استوار
 زیر پایم، ناگه از خواب قرون بیدار شد

(همان: ۱۸۰)

صدای گریهٔ رودابه بود و مویهٔ زال
 که از تداعی تابوت و تهمتن می‌گفت
 غبار و خون به هم از راه می‌رسید به ماه
 سوار اگر چه همه از نیامدن می‌گفت

(همان: ۳۵۸)

در برخی از غزل‌های منزوی بوی ناامیدی در فضای شعر پراکنده شده است. این ناامیدی، تناسبی ملموس با رفتارهای شخصی شاعر دارد. این رفتار شاعر، ناشی از ضمیر ناخودآگاه اوست که با داشتن یقین نسبت به نتیجه اعمالی که انجام می‌دهد؛ اما باز هم از کارهای خود دست نمی‌کشد، چراکه آن‌ها را برای خود دلخوشی می‌داند.

منزوی، معمولاً هر جا نامی از عید می‌برد ناامیدی را نیز در کنار آن عنوان می‌کند. شاید دلیل آن شادی و امیدواری روزهای عید در مقابل سایر روزهای سال باشد:

کدام عید و کدامین بهار؟ با چه امید
 که با نبود تو نومیدم از رسیدن عید

(همان: ۳۹۶)

چه بد عیدی شد این از صد عزا بدتر، چه بد عیدی
 همان که گفته بودم بی تو خواهد شد، همان! دیدی؟
 مبارک باد می‌گویند و می‌خندم به تلخ واری
 که با غم گشته بشقابی، بهارم سبزه عیدی
 گرفتم روز هم نوشد، چه خواهد داد این نوروز
 به این، یا هر زمان فرسود؛ چون من کهنه نومیدی

(همان: ۴۲۵)

گاه نامیدی شاعر به حدی می‌رسد که عشق آتشین را نیز یخ‌زده می‌داند. دیگر کسی به داد گمشدگان نمی‌رسد و آن نجات‌دهنده که سبزپوشی جاودانه است نیز انگار مرده است.

سرمای زمستان که نمادی از دل‌سردی و حضور ظلم است همه چیز را افسرده کرده است:

دیگر به داد گمشدگان کس نمی‌رسد
عشق، آتشی که در دل‌مان شعله می‌کشید
آن سبزه جاودانه هم انگار مرده است
از سورت هزار زمستان فسرده است

(همان: ۳۹۸)

هوای زمستان و حضور ابرهای سیاه آسمان، گلوی شاعر را می‌فشارد، هر چند شاعر اعتقاد دارد باری بر دوش زمین نیست؛ بلکه زمین باری بر دوش اوست:

ای آسمان که سایه ابر سیاه تو
باری به روی دوش زمین تو نیستم
چون پنجه‌ای بزرگ گلویم فشرده است
من اطلسم که بار جهانم به گرده است

(همان: ۳۹۸)

الف) حسرت‌ها و یأس‌های شخصی

یکی از مهم‌ترین عواطف بشر که از دیرباز محور شعر ملت‌ها بوده است، عشق است. «در میان عواملی که طبایع و خاطره‌ها را می‌انگیزند و استعداد‌های هنری را به جوش و خروش و حرکت وامی‌دارند، عشق لطیف‌ترین و نیرومندترین است. نوسان دل‌انگیز عشق میان شادی و غم آن‌چنان است که محور اصلی ادبیات غنایی جهان را تشکیل می‌دهد» (صبور، ۱۳۸۲: ۴۰۶). از آنجاکه عشق همواره قرین مراتبی از حسرت بوده است، حجم بزرگی از افسوس‌های شعر سنتی و معاصر را به خود اختصاص داده است؛ از این روست که تشریح حزن و حسرت، سازگاری بی‌نظیری با قالب غزل دارد. عاطفه عشق، در غزل منزوی جایگاهی ویژه دارد. این مفهوم بر سرتاسر اشعار او سایه افکنده است. خود نیز در مقدمه حنجره زخمی تغزل، از عشق به‌عنوان هویت اصلی شعرش یاد می‌کند.

(منزوی، ۱۳۸۲: ۳)

و خود را عشق می‌نامد:

نام من عشق است آیا می‌شناسیدم؟ (منزوی، ۱۳۸۹: ۴۶۷).

عشق منزوی، اغلب آمیخته با حسرت و یأس و ناامیدی است، از آن جمله احساسی که او در جوانی تجربه کرد. «عشقی که هم حسین را ماندگار کرد و هم در حسین ماندگار شد؛ زیرا هرگز به این عشق نرسید و همین راز ماندگاری آن

گردید» (زدوار بهمن، ۱۳۹۰: ۴۹۷). از سوی دیگر، سرانجام تلخ زندگی مشترک او، جدایی از همسر محبوبش و در پی آن دوری از یگانه فرزندش، فضای شعر او را سرشار از هوای حسرت و یأس و ناامیدی کرده است. وجود این عوامل باعث شده است که یکی از پرکاربردترین بن‌مایه‌های شعر منزوی، عنصر یأس و حسرت باشد. در شعر زیر وی با اشاره به مسائل زندگی‌اش بیان می‌کند که دیگر در وجودش رنگی از نشاط نیست و فضای سینه‌اش را اندوهی، همواره فراگرفته است:

مجویید در من ز شادی نشانه
من و تا ابد این غم جاودانه
من آن مرغ غمگین تنها نشینم
که دیگر ندارم هوای ترانه

(منزوی، ۱۳۸۹: ۴۸)

این یأس به شکلی آشکار در نگاره‌های نسخه مصور خمسه نظامی نیز مشاهده می‌شود. تصویر زیر در وصف اندوه ناشی از عشق و حسرت وجود دارد.



تصویر ۱: نگاره خبر دادن زید به مجنون از وفات شوهر لیلی، مکتب مغول. خمسه نظامی ۷۱۸ ه.ق. مأخذ: (ضرغام، داستان: ۱۳۹۵: ۵۷)

در غزل دیگر یأس و حسرت و اندوه خود را از نبودن محبوب (همسرش) چنین بیان می‌کند:

روشنان چشم‌هایت کو؟ زن شیر من!
تا بیفروزی چراغی در شب سنگین من
می‌شوم بیدار و می‌بینم کنارم نیستی
حسرت سر می‌گذارد بی تو بر بالین من...

(همان: ۲۴۵)

از دیگر زمینه‌های ایجاد یأس و حسرت در غزل منزوی، زندگی دردمندانه اوست. شاعر که یارای مقابله با سرنوشت را ندارد، خود را در نبردی نابرابر مقهور می‌بیند:

با هیچ قوچ بهشتی، نخواهد زد تاختش وقتی که تقدیر، قربانی خویش را برگزید

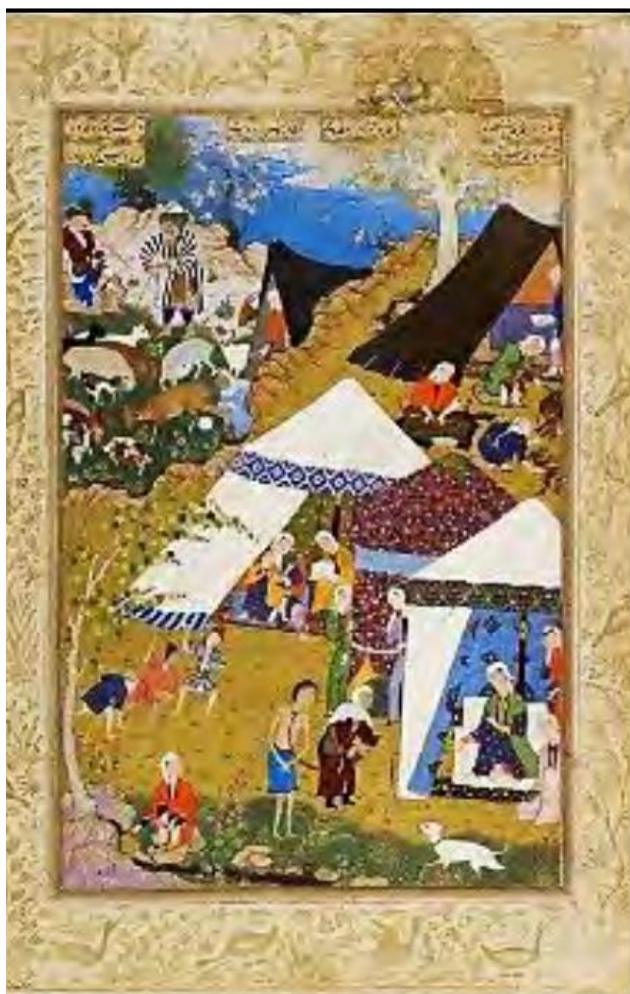
(همان: ۳۷۲)

وی در برابر کسانی که در لحظات سخت زندگی تنهایش گذاشته‌اند، اندوهمندانه می‌سراید:

من همانم، مهربان سال‌های دور رفته‌ام از یادتان؟ یا می‌شناسیدم؟

(منزوی، ۱۳۸۹: ۴۶۸)

همین مفهوم را به شکلی عمیق‌تر می‌توان در نگاره‌های خمسه نظامی مشاهده کرد. در تصویر زیر که مربوط به ماجرای عشق لیلی و مجنون است، این مضمون را به روشنی ترسیم می‌کند.



تصویر ۲: نگاره بردن مجنون به خیمه لیلی توسط پیرزن، خمسه نظامی شاه طهماسبی، مکتب تبریز، مأخذ: (نوروزی و همکاران: ۱۳۹۷).

یأس و ناامیدی که به دلیل ازدست‌دادن جوانی و سپری‌شدن عمر، وجود او را فراگرفته و در غزل چنین بیان می‌کند:

می‌آمد از برج ویران مردی که خاکستری بود خرد و خراب و خمیده تصویر ویران‌تری بود

دردا که دیری است دیگر زنگ کدورت گرفته است آینه‌ای کز صباحت، صد صبح روشنگری بود

(همان: ۴۴۵)

یکی دیگر از بن‌مایه‌های یأس و حسرت‌برانگیز در شعر منزوی، اندوه ازدست‌دادن برادرش «حسن» است که در دوران طاغوت تیرباران شده است. این اندوه موجب شده است که شاعر سوگ‌سروده‌هایی سرشار از یأس و ناامیدی و حسرت را با فرم‌های مختلف بسراید. این سروده‌ها هرچند احساس شخصی شاعر را جلوه‌گر می‌سازند، اما رویکردی اجتماعی نیز دارند و می‌توانند نمایانگر حسرت‌ها و یأس و ناامیدی‌هایی باشند که کارکرد دوسویه فردی - اجتماعی دارند. منزوی با آوردن واژگانی حزن‌انگیز مانند: ظلمت، کفن خونین، گور، تیرباران، جنازه و... شب حزن‌انگیز تیرباران برادرش را به تصویر می‌کشد:

آیا چه دیدی آن شب، در قتلگاه یاران؟ چشم درشت خونین، ای ماه سوکواران!

از خاک بر جبینت، خورشیدها شتک زد آن دم که داد ظلمت، فرمان تیرباران

(همان: ۸۷)

دوباره چشم فلق هول تیرباران داشت و آن جنازه بی‌گور و بی‌کفن می‌گفت

که با دهان بی‌آواز نیم‌باز، انگار در آن سپیده خونین «وطن، وطن» می‌گفت

(همان: ۴۶۳)

«یک مسئله مهم در بررسی عاطفه شعری این است که آیا شاعر توانسته مخاطب خود را از همان مسیر عاطفی که خود عبور کرده گذر دهد یا نه؟ این موضوع بیشتر مربوط می‌شود به شیوه‌های بیان حالات عاطفی که بر شاعر سپری شده است» (زرقانی، ۱۳۸۷: ۳۰). در نگاره‌های خمسه نظامی نیز این عواطف دیده می‌شود. هنرمند به موازات اشعار نظامی، شعرگویی مجنون برای لیلی را ترسیم کرده است.



تصویر ۳: غزل گفتن مجنون در حضور لیلی به نخسلستان، مکتب مغول، خمسه نظامی، ۷۱۸. مأخذ: (ضرغام، داستان: ۵۷: ۱۳۹۵)

به نظر می‌رسد شعر منزوی در این زمینه، کارکردی موفق و تحسین‌برانگیز دارد.

ب) یأس‌ها و حسرت‌های اجتماعی

برخی از غزل‌های منزوی، دارای مضامینی اجتماعی - سیاسی هستند. دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی سال‌های پیش از انقلاب و نابسامانی‌های حاصل از آن، شکست‌ها و ناکامی‌ها پی‌درپی، فضای غم‌آلود و خفقان‌آور حاکم بر آن سال‌ها و خاموشی افراد جامعه در برابر کارشکنی‌ها و وطن‌فروشی‌ها، انگیزه‌ایجاد دریغ، یأس و حسرت‌های زیادی را در شعر او شده‌اند:

از زمزمه دلتنگیم، از همه‌همه بیزاریم	نه طاقت خاموشی، نه تاب سخن داریم
آوار پریشانی ست، رو سوی چه بگریزم؟	هنگامه حیرانی ست خود را به که بسپاریم؟
ما خویش ندانستیم، بیداری مان از خواب	گفتند که بیدارید، گفتیم که بیداریم
من راه تو را بسته، تو راه مرا بسته	امید رهایی نیست وقتی همه دیواریم

(منزوی، ۱۳۸۹: ۲۷)

در ابیات زیر، منزوی با آوردن کلماتی چون: دم کرده، بغض‌آلود، خاکستر، ضجه، جان‌دادن، دود و... فضای خفقان‌آور و دهشت‌بار کشور را به تصویر می‌کشد و با آوردن واژه موعود، به انتظار حسرت‌بار خویش اشاره می‌کند:

خانه‌های دم کرده، کوچه‌های بغض‌آلود	طرح شهر خاکستر در زمینه‌ای از دود
فصل ضجه و زنجیر باز هم رقم خورده است	خیره، چشم ما تا دور باز، در پی موعود
در کجای این دفتر، تا نشانشان ثبت است	بردگان جان داده، پای باروی نمرود؟

(منزوی، ۱۳۸۹: ۶۹)

ج) نماد

فضای اختناق‌آمیز سیاسی باعث می‌شود نویسندگان و شاعران برای بیان اندیشه‌ها و آرمان‌های خویش، به‌نوعی بیان نمادین متوسل می‌شوند. منزوی نیز گلایه خود را از اوضاع جامعه در قالب نمادهایی چون: نسیم، چمن، باغ، بهار، درخت، سرو و... بیان می‌کند:

الا نسیم نوازش، بر این چمن چه رسید؟
 بر این فسرده کدامین سموم فتنه وزید؟
 که از هزار بهار گل و شکوفه یکی،
 به باغ خالی حسرت نصیب ما نرسید
 درخت‌های جوان پی شدند و افتادند
 عجب مدار که سروی در این چمن نچمید

(منزوی، ۱۳۸۹: ۴۷۳)

دوران شکوه باغ از خاطرمان رفته است
 امروز که صف در صف خشکیده و بی‌باریم...
 من راه تو را بسته، تو راه مرا بسته
 امید رهایی نیست، وقتی همه دیواریم

(همان، ۲۷)

«در عصر محمدرضا شاه، ادبیات فارسی عمدتاً در جهت ملت‌سازی، تأسیس نهادهای نوین مدنی و فرهنگ‌سازی حرکت می‌کرد. اما طبیعت استبدادی محمدرضا شاه منجر به سانسور مطبوعات و خشکاندن نهال آزادی بیان شد و شعر و ادبیات ما به پویایی لازم نرسید» (امین، ۱۳۸۴: ۱۸). یأسی که سایه‌ای تاریک بر ادبیات نمادین زیر افکنده است، ریشه در بی‌نصیبی‌های پیاپی از بسامان‌شدن اوضاع جامعه آن روزگار دارد:

چگونه باغ تو باور کند بهاران را؟
 که سال‌ها نچشیده است طعم باران را
 گمان مبر که چراغان کنند دیگر بار
 شکوفه‌ها تن عریان شاخساران را
 درخت کوچک من! ای درخت کوچک من!
 صبور باش و فراموش کن بهاران را

(همان، ۲۸)

گاه ناامیدی چنان بر روح شاعر غلبه می‌کند که مرگ را بر زندگی ترجیح می‌دهد. قافیه، «ناقوس» که در بسیاری موارد پیام‌آور مرگ است، فضای اندوهناک شعر را تقویت کرده است:

برای من به صدا در می‌آید آن ناقوس
 به انتها چو رسید این شمارش معکوس

نداده جز خبر مرگ، هرگز این ناقوس

تفاوتی است در اشکال مرگ و نه

(همان: ۱۷۸)

در ادامه، فضای شعر را به چشم‌اندازی وسیع‌تر می‌کشاند و با اشاره به تراژدی رستم و سهراب، روزگار را کاووسی می‌داند که نوشداروی مراد را از مردمان دریغ می‌کند:

هزار رستم و سهراب مرده‌اند و هنوز

دریغ می‌کند از نوشدارویی، کاووس

که هست جمله جهان زیر حکم دقیانوس

کدام غار مرا می‌دهد پناه، اکنون؟

(همان: ۷۸).

چنین است که ماجرای خویش را، این‌گونه با یأس و شکسته توصیف می‌کند:

در ساقه‌های بی‌ثمر دست‌های من

با صد بهار نیز گلی وا نمی‌شود

دیگر نمی‌زند، در ویران سرای من

آری بهار خود نه که نام بهار نیز

(منزوی، ۱۳۸۹: ۳۰۰)

و نیز منجر به توصیف رویدادهایی آرمانی که برای جامعه و مردمانش آرزو می‌کند:

بشکند تا که دژ هوش‌ربا بگشایند

آری، آری رسد آن روز که این کهنه طلسم

تا به روی سحر، این پنجره‌ها، بگشایند

رسد آن روز که این شب زدگان برخیزند

قفل‌ها از دل‌واز دیده ما بگشایند

با کلیدی که به نام تو و من می‌چرخید

(همان: ۹۱ - ۹۰)

می‌بینیم که منزوی چگونه از قابلیت مضمون و فرم غزل بهره می‌گیرد تا جنبه‌های متنوع یأس، ناامیدی، امید و حسرت را این‌گونه مؤثر به مخاطب خودالقا کند. استفاده از این شگردهای مربوط به فرم تا زمانی مفید است که لطمه‌ای به محتوا و مضمون نرساند. «شعر و هنر، تا عواطف انسانی و جلوه‌های حیات بشری بر دیگر عناصر -تخیل، زبان، موسیقی، شکل_ فرمانرواست، هر قدر این عناصر بسیار باشند، زبانی ندارد؛ اما همین که یکی از این عناصر بر سریان عاطفی و جوهر حیاتی شعر که زندگی است غالب شود شعر دیر یا زود از میان می‌رود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۹۹). به دلیل عاطفهٔ چیره و قوی‌ای که همواره در غزل منزوی جریان دارد، توجه بارز و متنوع به فرم، تقریباً هیچ‌گاه منجر به قربانی شدن جوهر شعری وی نگشته است.

نتیجه‌گیری

پیامدهای سیاسی و اجتماعی ایران، بر تطوّر ادبی به‌ویژه شعر که هنر ملی ماست تأثیر چشمگیری داشته است؛ به تعبیر دیگر، ادبیات هر جامعه، روح آن جامعه است و ادبیات هر زمان، بازتاب واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی اقتصادی آن زمان است. ناامیدی منزوی ناشی از شکست عشقی، سیاسی، اجتماعی و عمومی است. ناامیدی اجتماعی و عمومی علت‌های متعددی دارد؛ از جمله نابسامانی اجتماعی، فرهنگی، برهم‌خوردن معادلات سیاسی که هر یک تأثیر خاصی بر روح نازک و حسّاس شاعر می‌گذارد و او را نسبت به جامعه، آرمان و عشق و... بدبین و ناامید می‌کند. نگاهی که منزوی به جهان دارد اگرچه گاهی تلخ و کنایه‌آمیز است؛ اما همچنان عاشقانه است و سعی می‌کند در لابه‌لای تمام ناکامی‌ها و یأس‌ها، از علاقه‌اش به جهان بگوید. شعر منزوی در سایه امید و ناامیدی است که تجلی پیدا می‌کند و رشد می‌یابد. شعر منزوی دارای دو نمود شخصی و اجتماعی است. در میان یأس‌ها و ناامیدی‌های شخصی، عاشقانه‌ها بروز بیشتری دارند.

خاستگاه دیگر ناامیدی‌ها و یأس‌های او در این بخش گله‌مندی از روزگار و سرنوشت، اندوه از دست‌دادن برادر و جدایی از همسر و سپری‌شدن عمر و جوانی است. یأس‌ها و حسرت‌های اجتماعی وی نیز از شرایط سیاسی و اجتماعی و نابسامانی‌های جامعه و روزگار وی ناشی می‌شود. این حسرت‌ها گاهی، یأس شاعر را در پی داشته‌اند و گاه نیز منجر به امیدواری، آرمان‌گرایی و رؤیایپردازی وی شده‌اند؛ به این ترتیب که حسرت‌ها و یأس‌های شخصی و عاشقانه او بیشتر با ناامیدی همراه‌اند و در فضای یأس‌ها و حسرت‌های اجتماعی، حال و هوای امیدوارانه و انتظار برای تغییر وضعیت بیشتر دیده می‌شود. بررسی مضمون اندوه و شادی در هنر دوره اسلامی و به‌خصوص هنر نگارگری نشان‌دهنده حضور پررنگ این محتوا در این هنر است. با توجه به قرابت نزدیک هنر نگارگری و ادبیات این مسئله بیشتر به چشم می‌خورد. نسخه مصور خمسه نظامی نمونه‌ای از این آثار هنری است و مضمون شادی و غم در آن به‌وفور دیده می‌شود.

منابع

کتابها

- امین، سید حسن. (۱۳۸۴). ادبیات معاصر ایران. تهران: انتشارات دائرةالمعارف ایران شناسی.
- باقی نژاد، عباس. (۱۳۸۷). تأملی در ادبیات امروز. تهران: نشر کتاب پارسه.
- براهنی، رضا. (۱۳۶۶). کیمیا و خاک. چاپ دوم، تهران: نشر مرغ آمین.
- بشیری، علی اصغر. (۱۳۹۰). غزل نو. تهران: نسل آفتاب.
- روزبه، محمدرضا. (۱۳۸۸). ادبیات معاصر ایران، چاپ چهارم، تهران: روزگار.
- زودار، بهمن. (۱۳۹۰). در من ادراکی است از او عاشقانه و تصویری است جاودانه. از مجموعه ترانه و تندر به تمام مهدی فیروزیان، تهران: سخن.
- زرشناس، شهریار. (۱۳۸۶). پیش درآمدی بر رویکردها و مکتب‌های ادبی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- زرقانی، سید مهدی. (۱۳۸۷). چشم‌انداز شعر معاصر ایران، چاپ سوم، تهران: ثالث.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۷). ادوار شعر فارسی، از مشروطیت تا سقوط سلطنت. تهران: انتشارات سخن.
- صبور، داریوش. (۱۳۸۲). آفاق غزل فارسی، تهران: زوار.
- منزوی، حسین. (۱۳۸۹). مجموعه اشعار حسین منزوی به کوشش محمد فتحی. تهران: نگاه.
- منزوی، حسین. (۱۳۸۲). حنجره زخمی تغزل. چاپ دوم، تهران: آفرینش.

مقالات

- اسماعیلی، مراد؛ حسن پور آلاشتی، حسین. (۱۳۸۸). «اسطوره در اشعار سیاوش کسرایی». تهران، مجله ادب پژوهی، پاییز، شماره ۹.
- روحانی، حمیدرضا و سخاوت، آزاده. (۱۳۹۵). «معرفی و بررسی نسخه‌ای مصور از دوره ترکمانان متعلق به موزه هنرهای اسلامی کوالالامپور». نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳، صص. ۶۴-۵۳.
- ضرقام، ادهم و داستان فرزانه. (۱۳۹۵). «پژوهشی پیرامون قدیمی‌ترین نسخه مصور خمسه نظامی مبتنی بر مقایسه تطبیقی نسخه جلایری»، هنرهای زیبا، شماره ۱، صص. ۶۰-۵۳.
- نوروزی، فائزه و عربزاده، جمال و اسکندری، ایرج. (۱۳۹۷). «گونه‌شناسی تطبیقی تشعیر نگاره‌های خمسه شاه طهماسبی»، فصلنامه هنرهای صناعی اسلامی، شماره ۱، صص. ۸۴-۷۱.